

منظومه‌های حماسی اسلامی در ادبیات عربی معاصر

دکتر سید محمد حسینی^۱، دکتر ابراهیم فلاح^۲
(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۳۱، تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۲)

چکیده

حماسه به مفهوم عام آن در شعر جاهلی وجود دارد. شاعران در دوره جاهلی و ادوار پس از آن درباره نبردها و پهلوانی‌ها و دلیری‌ها به مناسبت‌های مختلف سخنان بسیاری را به نظم در آورده‌اند. اما حماسه به مفهوم مصطلح آن که در ادبیات عربی «ملحمه» نامیده می‌شود بخاطر بافت قومی و قبیله‌ای اعراب و عوامل متعدد دیگر، در هیچ یک از دوره‌های تاریخ ادبیات عربی شکل نگرفت. در دوره معاصر سرایندگانی چون احمد محرم، بولس سلامه، عبدالملیح الانطاکی، سعید العسیلی، ابراهیم علوان النصیراوی به تبعیت از ترجمه‌های ایلیاد هومر و مهاباراتا منظومه‌هایی سروده‌اند که قهرمانان آن، شخصیت‌های بزرگی چون پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و امام حسین (ع) بودند. از آن روی که قهرمانان این چکامه‌های بلند حماسی شخصیت‌های دینی و معنوی واقعی؛ نه داستانی و اسطوره‌ای می‌باشند و پهلوان پروری صوری مدنظر نیست ارزش‌های والای معنوی جایگاه نخست را در آنها از آن خود دارد.

واژگان کلیدی

منظومه‌ها، حماسه اسلامی، شاعران، ادبیات عربی معاصر.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل Hoseini.mohammad22@yahoo.com

۲- استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری fallahabrahim@gmail.com

مقدمه

حماسه واژه‌یی است عربی و حروف اصلی در آن عبارتست از ح م س. این ریشه در زبان عربی دارای سه گونه ضبط است:

۱- حَمَسٌ-حَمَسًا؛ فَلَائِنَا أَعْزَبَهُ. ۲- حَمِسٌ -حَمَسًا؛ صَلَبٌ و اَشْتَدُّ. قَالَ: حَمِسَتِ الْأَرْضُ : صَلَبَتْ: و حَمَسَ الشَّرُّ وَالْوَعَى: اِشْتَدَّ وَحَمَسَ الرَّجُلُ فِي الدِّينِ: تَشَدَّدَ. ۳- حَمَسٌ حَمَاسَةً: شَجَّحَ. فَهُوَ حَمِيسٌ (ج) حُمَسَاءَ (مصطفی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۷)

که شکل نخست، برخلاف اشکال دوم و سوم متعدی است و چنانکه ملاحظه می‌شود حماسه هم مصدر شکل سوم است و هم اسم مصدر است مشتمل بر معانی اشکال دوم و سوم-الحماسه؛ الشده فی الامر و الشجاعه. (همان)

ملحمه در لغت به معنا جنگ سخت و شدید است و در اصطلاح مقوله ایست روایی بعضاً مبتنی بر خوارق و اساطیر که با قواعد و اصولی خاص بر محور موضوعی جدی و رزمی و همراه با سبکی فخیم تدوین یافته، خواه به نظم همانند ایلیاد هومر و شاهنامه فردوسی و خواه به نثر همانند سیره عنتره بن شداد العبسی. (صفا، ۱۳۷۴: ۲۷)

در زبان فارسی کلمه حماسه مرادف همین معنا اصطلاحی ملحمه است، بنابراین ملحمه در عربی و فارسی دارای معنایی متفاوت از یکدیگرند.

باری ملحمه در اصطلاح به معنی اشعاری است که شاعر با سیاقی محکم و استوار، احوال قوم خود را به نظم در آورده و به‌طور مفصل به جنگ‌های آنان پرداخته و همچنین دارای موضوعی ملی و

تاریخی است که گاهی اوقات تعداد ابیات آن به ده‌ها هزار بیت می‌رسد. (البقاعی، ۱۹۸۵: ۲۶۲)

در واقع شعر ملحمی، شعری است قصصی که دارای اسلوبی است افسانه‌ای و موضوع آن دلاوری، هم در جنگ و هم در صلح، که جنبه اسطوره بر آن غالب است، زیرا با آغاز تاریخ بشر مرتبط است و میراث عمومی را مطرح می‌کند که همه مردم یک سرزمین به آن دل بسته‌اند. (همان: ۲۶۶)

با تعاریف مذکور، ملحمه و حماسه در زبان عربی با هم تفاوت‌هایی دارند که به پاره‌ایی از آنها در زیر اشارت می‌رود:

الف) ابیات ملحمه گاهی اوقات به ده‌ها هزار بیت می‌رسد در حالی که تعداد ابیات حماسه همانند سایر قصاید معمول و متداول است.

ب) ملحمه به موضوع ملی و قومی و تاریخی اختصاص دارد در حالی که در قصیده حماسی چنین امری مورد لحاظ نیست و در آن تنها به وصف پهلوانی‌ها و درگیری‌ها و پیروزی‌های جنگی اکتفا می‌شود.

ج) معمولاً ملحمه به نقل اساطیر، و خوارق و مبالغاتی افسانه مانند می‌پردازد، اما در قصاید حماسی چنین شرطی یافت نمی‌شود.

د) ملحمه از مقدمه، و ذوالمقدمه و خاتمه تشکیل شده است، در حالی که در قصاید حماسی چنین چیزی وجود ندارد و آن‌را می‌توان به عنوان غرضی از اغراض شعری چون وصف و هجا و

مدح و رثا به شمار آورد و حتی در درون این اغراض می‌توان شعر را با دست‌مایه‌های حماسی بارورتر و توجه برانگیزتر ساخت.

حماسه در ادبیات جهان

منظومه‌های حماسی از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است که اوضاع و احوال روزگاران نخست را گزارش می‌دهد و تاریخ صدر جهان و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می‌کند.

منظومه‌های حماسی از زمانی که ملتی در راه حصول عظمت و تمدن گام نهاده سخن می‌گوید، و آن، سخن از جنگ‌هایی است که برای استقلال و بیرون راندن یا شکست دشمن یا کسب نام و شهرت و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته است. همچنین مربوط به دورانی است که قبایل و تیره‌های گوناگون متحد شده و اندک اندک تشکیل ملتی را داده‌اند. از این رو منظومه‌های حماسی هر ملتی بیان‌کننده آرمان‌های آن ملت است و مجاهدت‌های آنان را در راه سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۷)

منظومه‌های حماسی بر حسب موضوع به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: الف) منظومه‌های حماسی اساطیری و پهلوانی متعلق به ایام پیش از تاریخ، که موضوع‌های مهم فلسفی و مذهبی را در بر دارد، مانند منظومه‌های مهاباراتا و رامایانا. ب) منظومه‌های حماسی تاریخی مانند گاهنامه اثر انیوس و اروشلیم اثر تاسه یا منظومه‌هایی

که در عین آنکه مبتنی بر تصور و خیال است قسمت‌های تاریخی نیز در آنها دیده می‌شود، مانند کمدی الهی اثر دانتته. (صفا، ۱۳۷۴: ۲۸)

ممکن است حماسه‌های تاریخی، زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به وجود آمده باشد. این منظومه‌ها بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی سرایندگان آنها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد و نیز اغلب دارای بسیاری از خصائص منظومه‌های حماسی می‌باشد که می‌توان آنها را در شمار آثار حماسی ملل به شمار آورد و آن‌را منظومه‌های حماسی-دینی نامید (همان: ۲۸) که این موضوع در این پژوهش مدنظر است و با همین تعریف در ارتباط است.

حماسه در ادبیات عربی

اشعار و قصاید حماسی در ادبیات عربی به قطعه‌ها و قصایدی گفته می‌شود که بیشتر مبتنی بر بیان افتخارات قبیله و فرد و رجزهایست که پهلوانان و مبارزان در برابر صفوف دشمن بر زبان می‌آورند. و یا آنچه شاعر از پهلوانی‌های خود یا ممدوح خویش در میدان جنگ و فرار از تنگناها و درافتادن در مهالک و چیره‌دستی در انتقام یا غارت و نهب و خلق و خوی‌های منحصر به فرد خود یا ممدوح خویش بیان می‌کرد. (صفا، ۱۳۷۴: ۳۶)

از نمونه‌های این اشعار حماسی می‌توان به شعرهای شعرای جاهلی چون عنتره بن شداد

العربی، عمرو بن کلثوم التغلبي، درید بن الصمه و المرقش الأكبر نام برد.

باب اول دو کتاب از دو شاعر بزرگ، ابوتمام و شاگردش بحتری به نام الحماسه به همین موضوع پرداخته شده است، و باب‌های دیگر در موضوع مرثی، هجا، نسیب، مدح، وصف و غیره می‌باشند و از آنجا که باب اول کتاب در حماسه و مفصل‌تر از باب‌های دیگر است، کل کتاب را از باب اطلاق جزء بر کل، حماسه نامیدند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۶)

آنچه که واضح است این است که در ادبیات عربی منظومه‌های حماسی طولانی یعنی ملحمه به معنای آنچه که در ادبیات یونان، ایران، هند و دیگر ملت‌ها وجود دارد به چشم نمی‌خورد. فقدان این گونه منظومه‌های حماسی به معنای مصطلح در ادبیات عربی را می‌توان به عوامل زیر مرتبط دانست:

الف) شرایط و وسایل ایجاد حماسه ملی در میان قوم عرب موجود نبوده است، چرا که اعراب تا ظهور اسلام از ملیت به معنی و مفهوم واقعی خود محروم بوده‌اند و سرزمین عربستان از تعداد قبایل پراکنده که هر یک از خویشتن را از دیگری جدا می‌پنداشت تشکیل شده بود که بر یکدیگر افتخار می‌کردند و خود را از دیگران برتر می‌دانستند و برای مفاخرت، روایاتی را در باب بزرگی‌های نیاکان خویش ذکر می‌کردند. (صفا، ۱۳۷۴: ۳۴) زندگی پراکنده، آنان را از ملیت به مفهوم واقعی خود دور ساخت، چرا

که نتوانستند سپاهی منظم برای خود ایجاد کنند تا به وسیله آن با اقوام خارجی بیرون از شبه جزیره به جنگ و کارزار بپردازند. (المحاسنی، ۱۹۶۱: ۲۳) در نتیجه، برخوردها و جنگ‌های معمولی و محدود قبیله‌ای هم نتوانست به صورت قهرمانی‌های ملی تجلی نماید و نمودار رنج‌ها و تلخی‌ها و شکست‌ها و ناکامی‌ها و فرافز و نشیب‌های قومی آنان در طول تاریخ باشد تا ذوق و قریحه شعراء را تحت تاثیر قرار دهد و از آن ملحمه یا حماسه به معنای مصطلح بسازد.

ب) از آنجا که دین و اعتقادات نقش بسزایی در اتفاقات و جریان‌های ملحمی و حماسی دارند و قهرمانان و بوجود آورندگان اینگونه حوادث غالباً خدایان می‌باشند. (چنانچه در حماسه ایلیاد و مهاراباتا وجود دارد) ضعف باورهای دینی در بین اعراب جاهلی باعث عدم ظهور این فن در ادبیات عربی گردید. (فروخ، ۱۹۹۲: ۶۱)

ج) تمایل و اشتیاق اعراب جاهلی به ایجاز و اختصار نمودن کلام و مقید بودن به جمله‌های کوتاه که معانی زیادی در برداشته باشد و همچنین ضعف و ناشکیبایی و ناتوانی در به کارگیری گفتمان‌های طولانی و داستان پردازی‌هایی که نیازمند به تجزیه و تحلیل و وسعت فکر و تخیل باشد از عوامل فقدان منظومه‌های حماسی در ادبیات عربی محسوب می‌گردد. (غنیمی الهملال، ۱۹۹۷: ۵۳۱)

د) از عوامل دیگر می‌توان به محیط جغرافیایی شبه جزیره عربستان اشاره داشت که در قالب دوستی صادق و ساده، خود را بر ساکنانش عرضه داشته و شعرای جاهلی را از غوطه ور شدن در اعماق اوهام و خرافات بازداشت و آنها را در عالم واقع و حقیقت قرار داد. (ضیف، بی تا: ۱۲)

شایان ذکر است ظهور حماسه از نوع مصطلح آن در ادبیات عربی پس از اسلام که قوم عرب هم عصور اولیه را پشت سر گذاشته و هم به یکتا پرستی گردن نهاده بود، شاید انتظار درستی نباشد، چرا که نمی‌توان از شاعر اسلامی انتظار داشت تا وقایع و حوادث تاریخی را با خرافات و اساطیر درهم آمیزد و به تخیلات مبتنی بر مظاهر شرک و بت پرستی و اعتقادات بی‌پایه و اساس میدان دهد.

مگر نه این است که اسلام با هرگونه شرک و بت پرستی و دروغ و خرافه به مبارزه برخاسته است و با آنان سازگاری نشان نداده است؟ بر اثر همین ناسازگاری بود که مسلمانان در عصر طلایی ترجمه از فرهنگ دیگر ملل به نقل آثاری چون «ایلیاد و اودیسه» روی خوش نشان ندادند و به ترجمه دیگر آثار پرداختند. (المحاسنی، ۱۹۶۱: ۲۳)

ناگفته نماند ادبیات عربی در عصور اسلامی دارای مجموعه‌های شعری طولانی گشت که در برگیرنده حوادث تاریخی و وقایع جنگی بوده و پایداری‌های و قهرمانی‌ها را منعکس می‌ساخت

و همان طوری که ذکر شد حتی کتاب‌هایی به نام الحماسه به وسیله شعرای چون ابوتمام، بحتری و ابن الشجری تدوین شد اما هیچکدام نتوانستند نام حماسه به معنای مصطلح همچون دیگر حماسه‌های جهان را به خود بگیرند، زیرا که این شعرا به حماسه به عنوان غرضی از اغراض شعری نگریستند و از آنجا که باب‌های دیگر این کتاب‌ها در باب رثاء هجا، نسیب، مدح، وصف و غیره بوده است، کل کتاب را از باب اطلاق جزء بر کل، حماسه نامیده‌اند.

چکامه‌های بلند حماسی-اسلامی در شعر عربی معاصر

در دوره معاصر سلیمان البستانی از ادیبان قرون نوزده و بیست، اولین ادیبی بود که به ترجمه شعری ایلیاد هومر از زبان یونانی به زبان عربی در بیش از یازده هزار بیت همت گماشته و از این طریق شعرای عربی را با ماهیت فن منظومه‌های حماسی آشنا ساخت که این ترجمه شعری به عنوان اولین تجربه در این زمینه در ادبیات عربی به شمار می‌آید. (أبوخافه، ۱۹۶۰: ۱۷۹، ۱۷۸) به دنبال او ودیع البستانی در سال ۱۹۵۲ به ترجمه حماسه مه‌ابارتای هندیان از زبان انگلیسی (ترجمه شده به وسیله رومش دطّ از زبان هندی به انگلیسی) به زبان عربی در قالب ۳۴۷۲ بیت اقدام نمود. (همان: ۱۸۲)

این ترجمه‌های شعری از حماسه‌های ملی یونان و هند عاملی گشت تا اینکه شعرای عربی معاصر با فنون منظومه‌های حماسی آشنا شده و اقدام

به سرودن آن نمایند، هرچند هیچکدام از این مجموعه‌های سروده شده ملحمه یا حماسه معنای مصطلح نیست و اطلاق حماسه (در فارسی) یا ملحمه (در زبان عربی) بر آنها از سر تسامح و مجاز است. (همان: ۱۸۰)

البته قابل ذکر است که این شعراء موضوعات منظومه‌های حماسی خویش را موضوعاتی اسلامی و قهرمانان اصلی آن را پیامبر اکرم (ص) به عنوان سمبل هدایت بشری و افتخار اعراب و حضرت علی بن ابیطالب (ع) به عنوان نماد دل‌آوری‌ها و شجاعت‌ها و کرامت‌های اخلاقی و امام حسین (ع) به عنوان نماد تسلیم نشدن در برابر زورگویان قرار دادند.

أحمد محرم اولین شاعری بود که منظومه‌ایی حماسی به نام «الایاده الاسلامیه» را به تبعیت از حماسه ایلیاد هومر (ترجمه شده به زبان عربی به وسیله سلیمان البستانی) به نظم درآورد. وی موضوع حماسه خویش را به حوادث و وقایع صدر اسلام، مبارزه پیامبر (ص) با کفار در غزوات بدر، احد، موته، دومه الجندل و غیره و همچنین دعوت از مردم برای گرویدن به دین مبین اسلام، از بین بردن جهل و بت پرستی، هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه و ایجاد اخوت بین مسلمین و دیگر وقایع تاریخی آن زمان اختصاص داده است. (همان: ۱۸۰)

شاعر در مطلع قصیده‌اش از پیامبر اسلام (ص) طلب می‌کند تا با وجودش زمین را پر از نور و

روشنایی نماید و انسان‌ها را در طول زمان‌های مختلف در دانش و حکمت خود غوطه‌ور سازد و بر این باور است که با نزول وحی الهی پرده از منزلت پنهان و ناشناخته حضرت محمد (ص) کنار زده شده است:

إملاً الأرضَ يا محمدُ نورا

و اغمرِ النَّاسَ حِكْمَةً وَ الدَّهْرَ

حَجَبَتِكَ الْغَيْبُ سَرًّا تَجَلَّى

يَكشِفُ الحُجْبَ كُلَّهَا وَ السُّتُورَا

(ضیف، بی تا: ۴۷)

به نظر می‌رسد احمد محرم در سرودن این منظومه بخاطر عدم وجود عناصر حماسی و ملحمی، چون اسطوره و امور خارق‌العاده و ملزومات دیگر موفق نبوده است. (أبو حاقه، ۱۹۶۰: ۱۸۱)

زیرا او در حقیقت غزوات پیامبر (ص) را با مهمترین حوادث آن عصر و سیره رسول‌الله (ص) به نظم درآورده است و حتی خودش را وادار ساخت تا منظومه‌اش را در یک وزن بسراید، بلکه در میان فصل‌های آن، وارد بحرهای گوناگون شده است. (ضیف، بی تا: ۴۷)

بعد از احمد محرم، بولس سلامه شاعر مسیحی لبنانی منظومه‌ای حماسی طولانی بسیار زیبایی به نام عیدالغدیر در بحر خفیف و در ۳۴۲۵ بیت و در قافیه‌های مختلف سروده است که قهرمان اصلی آن را حضرت علی بن ابی طالب (ع) قرار داده است.

بنا به گفته سراینده این حماسه، از مهمترین

دلایل سرودن آن، تشکیل دولت غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و گسترش روح ملی‌گرایی و تحریک قومی‌گرایی عربی بوده است. از نظر وی ملی‌گرایی در میان عرب با ظهور پیامبر اسلام (ص) تقویت شد و معنا پیدا کرد:

جَدُّهُ شَرَّفَ الْعَرَبَةَ قَدْرًا

و اسْمُهُ الْفَخْمُ شَرَّفَ الْأَسْمَاءَ

(سلامه، ۱۴۱۰: ۳۰۸)

شاعر خود درباره این سروده می‌گوید: پوشیده نیست که سرودن این حماسه باعث نشر بخش عظیمی از تاریخ عربی می‌شود، عربیتی که امروزه در سینه اعراب شعله‌ور شده و از باختر دور تا جزیره العرب بیش از این نیازمند به الگو گرفتن از قهرمانان گذشته خویش است. قهرمانانی که تعدادشان نیز بسیار است، ولی هیچ یک از آنان شجاعت و دانش و خیراندیشی امام علی (ع) را نداشته و چون امام حسین (ع) در برابر ستمگران قیام نکرده است. او کسی بود که برای حق زیست، شمشیرش را در جنگ بدر برای دفاع از حق از نیام بر کشید و فرزندش در کربلا در راه آزادی به شهادت رسید. بدون شک اولی دست پرورده حضرت محمد (ص) و دومی پاره تن او بود. (همان: ۱۸)

این منظومه از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات عربی معاصر برخوردار است تا آنجا که اکثر منتقدان عرب آن را در زمره بهترین قصیده حماسی عربی به شمار آورده‌اند. دکتر انیس المقدسی درباره این حماسه می‌گوید: «بیشتر منظومه‌های حماسی تاکنون در

ادبیات عربی معاصر سروده شده در مقایسه با حماسه‌های غربی تلاش‌های ناقصی بیش نیست، با این وجود بهترین حماسه‌ای که می‌تواند نمونه یک حماسه حقیقی در ادبیات عربی معاصر به شمار آید، حماسه عیدالغدیر سروده بولس سلامه است. نظر شاعر درباره علویان و امویان هر چه باشد بدون شک او این حماسه را با وجود طولانی بودن آن، چنان زیبا سروده که در میان حماسه سرایان عربی در مرتبه نخست و حماسه‌اش را هم در ردیف زیباترین حماسه‌های غربی قرار داده است.» (المقدسی، ۱۹۶۱: ۳۵۹)

شاعر واقعه غدیر خم و معرفی حضرت علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر را مهمترین واقعه تاریخ صدر اسلام به شمار آورده و به همین دلیل او حماسه خود را عیدالغدیر نامیده است. او به‌طور مفصل درباره این واقعه سخن گفته و مضمون حدیث غدیر را در آن بیان می‌کند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا اللَّهُ مَوْلَا

كُمُ وَ مَوْلَايَ نَاصِرِي وَ مُجِيرِي

ثُمَّ إِنِّي وَ لِيُكْمُ مِنْدُ كَانِ الدِّ

هْرِ طِفْلًا حَتَّى زَوَّالِ الدُّهُورِ

يَا إِلَهِي مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ حَقًّا

فَعَلَيْ مَوْلَاهُ غَيْرٌ نَكِيرِ

يَا إِلَهِي وَالِ الذَّنَّ يَوَالُونَ

ابْنَ عَمِّي وَ أَنْصُرَ حَلِيفَ نَصِيرِي

كُنْ عُدُوًّا لِمَنْ يُعَادِيهِ وَ اخْذُلْ

كُلَّ نَكْسٍ وَ خَاذِلِ شَرِيرِ

(سلامه، ۱۴۱۰: ۱۲۸)

بعد از بولس سلامه، شاعر مسیحی سوری، عبدال‌مسیح الأنطاکی منظومه‌ای حماسی به نام «القصیده العلویه المبارکه» درباره ذکر مناقب امام علی (ع) و شجاعت‌های او در ۵۵۹۵ بیت در بحر بسیط سروده است. این قصیده علویه به خاطر پیروی از حماسه منظوم و طولانی غرب چون ایللیاد ملحمه نامیده شده است؛ چرا که وقایع جنگی و قصه‌های تاریخی صدر اسلام در آن به نظم در آمده و به نظر می‌آید این چکامه بلند حماسی در زمره اولین و طولانی‌ترین قصایدی باشد که در ادبیات عربی در یک قالب و بر یک وزن سروده شده است. این قصیده به دو بخش اعظم یعنی تاریخ ولادت امیر المومنین (ع) تا به شهادت رسیدن امام علی (ع) به وسیله ابن ملجم و ذکر مناقب و فضایل و شجاعت‌های آن امام اختصاص یافته است. (انطاکی، ۱۴۱۱: ۱۲)

عبدال‌مسیح الانطاکی در این حماسه، امام علی (ع) را انسان شجاعی معرفی نموده که خداوند همانند او تاکنون نیافریده است. و آن دلاور مردی که به تنهایی در برابر دشمنان اسلام ایستاده و لحظه‌ای عقب نشینی نکرده، جنگ‌های صدر اسلام را او رهبری نموده و در برخورد با سپاهیان انبوه دشمنان اسلام نهراسیده و پیوسته شمشیرش بر علیه دشمنان اسلام بر کشیده بود. پیامبر اسلام (ص) درباره او و شمشیرش فرموده است: «لافتی إلا علی (ع) ولاسیف إلا ذوالفقار». (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۲۰: ۸۶) جوانمردی چون

علی (ع) و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد. و این چنین می‌سراید:

لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ لِلْغَارَاتِ مِنْ رَجُلٍ
كَالْمَرْتَضَى يُكَبِّتُ الْأَعْدَاءَ يُنْكِيهَا
و كَمْ تَصَدَّى وَحِيدًا لِلْعَدَى فَكَفَى أَلِ
إِسْلَامَ وَالِدَيْنِ وَ الدُّنْيَا تَعْدِيهَا

مَا فَرَّ يَوْمًا إِذَا نَارُ الْوَعَى اسْتَعْرَت
بَلْ كَانَ وَاللَّهِ قَبْلَ النَّاسِ صَالِيهَا

و لَمْ يَهَبْ أَنْ يَلَاقِي فِي الْحُرُوبِ كِتَا
ئِبَ الْعَدَى مَا تَمَادَتْ فِي تَجْمِيهَا
وَ طَالَمَا رَهْبَتُهُ مَا تَجَرَّدُ ذَا أَلِ
فَقَارِ يُمْنَاهُ إِذْ يَفْرَى هَوَادِيهَا
وَ حَسْبُنَا الْمُصْطَفَى قَدْ قَالَ ضَرَبْتُهُ

و تَرُّ فُلْمِ يَكُ فِي الْإِعْدَاءِ يُثْنِيهَا
(همان: ۶۷۹)

از منظومه‌های حماسی-اسلامی دیگری که در عصر معاصر سروده شده، ملحمه أهل البيت سورده عبدالمنعم الفرطوسی، شاعر و فقیه عراقی است که آن را در بیست و پنج هزار بیت و در بحر خفیف، درباره پیامبر اکرم (ص) و أهل بیتش (ع) به نظم درآورده است. الفرطوسی شاعر مخلص أهل بیت (ع) در این مجموعه، زندگی أهل بیت (ع) را به صورت جزئی و با استناد به روایت به تصویر کشیده است.

(حمودی التیمی، ۱۹۹۱: ۲۵۹)

به عنوان مثال شاعر قصیده‌اش درباره، شجاعت‌ها، دلاور مردی‌ها و فداکاری‌های

امام(ع) را در غزوه حنین به تصویر کشیده و اعتقاد دارد که در آن واقعه اگر امام (ع) و بنی هاشم نبودند پیامبر (ص) تنها و بدون یار و یاور مانده و این علی (ع) بوده است که از خاتم الانبیاء با ضربات شمشیرش از پیامبر (ص) دفاع نمود:

وَ بَوَادِي حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ

كثْرُهُ الْمُسْلِمِينَ دُونَ عَنَاءِ

يَوْمَ ضَافَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ فِي

مَا رَحِبَتْ مِنْ مَخَافِهِ وَ بَلَاءِ

ثُمَّ وَلَيْتُمْ فِرَاراً وَ رُعْباً

مَا عَدَا عَشْرَهُ مِنَ الْخُنَفَاءِ

هُمُ عَلِيُّ وَ أَبِيْمَنْ يَقْتَفِيهِ

مِنْ بَنِي هَاشِمٍ لِيُوثِ الْإِبَاءِ

وَ هُوَ قَدْ أَنْزَلَ السَّكِينَةَ مِنْهُ

لِرَسُولِ الْهُدَى وَ لِلْأَوْلِيَاءِ

وَ عَلِيٍّ بِالسَّيْفِ يَضْرِبُ قَدَمَا

وَ يُحَامِي عَنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ

(فرطوسی، ۱۹۷۷، ج ۳: ۲۰۷)

همچنین شاعر در حدود چهار هزار بیت از این منظومه را به زندگی امام حسین (ع)، از هنگام ولادت تا شهادت اختصاص داده و در آغاز قصیده خویش درباره حضرت سیدالشهداء (ع)، ولادت ایشان را ولادت فتح و پیروزی در دامان پیامبر (ص)، ولادت حق و حقیقت با تجلی نور و هدایت، ولادت پاکی و قداست در دامان پرمهر حضرت فاطمه (س) و ولادت مجد و بزرگواری و کرامت می‌داند. و این چنین می‌سراید:

وُلِدَ الْفَتْحُ بَيْنَ أَحْضَانِ طَهْ

فَتَهَادَى لِلْمَجْدِ خَيْرَ لُؤَاءِ

وُلِدَ الْحَقُّ وَ الْقَدَاسَةُ رَفَّتْ

بِحَنَانٍ فِي بُرْدَةِ الزَّهْرَاءِ

وُلِدَ الْمَجْدُ وَ الْكِرَامَةُ مَهْدُ

عِنْدَ مِيلَادِ سَيِّدِ الشَّهَادَةِ

(همان: ۱۵۷)

به همین ترتیب شاعر، زندگی و شجاعت‌های دیگر ائمه را با استناد به روایات و احادیث بیان می‌کند. همچنین از دیگر منظومه حماسی-اسلامی که در قالب رثاء بیان شده می‌توان به ملحمة کربلا، سروده سعید العسیلی و حدیث کربلا، سروده ابراهیم علوان‌النصیراوی اشاره کرد که هر کدام در بیش از هزار بیت، منظومه‌های حماسی-رثایی خویش را سروده‌اند و قهرمان اصلی حماسه شان را امام حسین (ع) قرار دادند.

و نیز مجموعه‌های شعری چون نهج‌البرده احمد شوقی، علویه عبدالملطب، بکریه عبدالحلیم، عمریه حافظ ابراهیم، منظومه‌های حماسی-اسلامی هستند که در این عصر سروده شده‌اند. اما حقیقت آن است که هیچ یک از این قصاید حماسی طولانی بخاطر دارا نبودن شرایط یک منظومه حماسی به مانند منظومه‌های ملل دیگر چون یونان، هند و ایران نمی‌توان بر آنان حماسه به معنای مصطلح اطلاق کرد بلکه می‌توان آنها را جز قصاید حماسی (به عنوان غرضی از اغراض شعری چون مدح، هجاء، رثاء، فخر) به شمار آورد.

نتیجه‌گیری

سوردن حماسه به معنای مصطلح آن، چون حماسه ایلیاد، شاهنامه، مه‌بارتا، به خاطر بافت خاص قوم عرب، سطحی بودن اعتقادات آنان و تمایل به ایجاز و مختصر نمودن کلام در عصر جاهلی و پرهیز از اوهام و خرافات و اعتقاد به بعضی از باورهای مذهبی در عصور اسلامی و در هیچ یک از دوران‌های تاریخ ادبیات عربی تحقق نیافت. البته در دوره معاصر ترجمه حماسه ایلیاد و مه‌باراتا به زبان باعث آشنا شدن شعرای عربی معاصر با فن منظومه‌های حماسی گردید. از این رو شعرای این دوره اقدام به سرودن اینگونه منظومه‌ها نموده و سعی کردند تا با مطالعه تاریخ صدر اسلام و تاریخ تمدن اسلام، قهرمانان داستان خویش را در بین شخصیت‌های دینی و

اسلامی جستجو کنند و آن را با تاریخ عصر خویش به وسیله الگو قرار دادن این شخصیت‌ها پیوند زنند و جوانان عربی را با چنین الگوهایی تحریک و تشویق کنند تا سرخوردگی‌ها اعراب را در عصر معاصر (به ویژه بعد از اشغال فلسطین توسط رژیم غاصب صهیونیستی) تبدیل به عزت و سرافرازی نمایند. در این نوع منظومه‌های حماسی-اسلامی، حقیقت و واقع محور حوادث و قهرمانی‌هاست و محوریت و اصالت با عقیده قهرمان و جان فشانی برای برپایی حقیقت است و خرافه و اسطوره به عنوان ملزومات اصلی منظومه‌های حماسی در آن راهی ندارد و در نتیجه اطلاق ملحمه یا حماسه به معنای مصطلح بر آنها به خاطر تسامح و مجاز است.

منابع

- أبوحاقه، محمد (۱۹۶۰)، فن الشعر الملحمی، بیروت: دارالشرق الجديد.
- أنطاکی، عبدالمسیح (۱۴۱۱)، القصیده العلویه المبارکه، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- بقاعی، شفیق (۱۹۸۵)، الأنواع الأدبیه، بیروت: موسسه عزالدین للطباعه و النشر.
- سلامه، بولس (۱۴۱۰)، عیدالغدير، تهران: الموسسه الثقافیه لهیئته أنصار الحسین (ع).
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، انواع ادبی، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴)، حماسه سرایی در ایران، تهران: فردوس.
- ضیف، شوقی (بی تا)، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، القاهره: دارالمعارف.
- (بی تا)، البطوله فی الشعر العربی، القاهره: دارالمعارف.
- عنیمی الهلال، محمد (۱۹۹۷)، النقد الأدبی الحدیث، بیروت: نهضه مصر للطباعه و النشر و التوزیع.
- فرطوسی، عبدالمنعم (۱۹۷۷)، ملحمة اهل البيت (ع)، ج ۳، بیروت: دار الزهراء.
- فروخ، عمر (۱۹۹۲)، تاریخ الأدب العربی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۷)، بحار الانوار الجامعه الدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران: انتشارات اسلامیه.
- حمودی التیمی، جعفر الصادق (۱۹۹۱)، معجم الشعرا العراقیین فی العصر الحدیث، بغداد: شرکه المعرفه لنشر و التوضیح.
- محاسنی، زکی (۱۹۶۱)، شعر الحرب فی أدب العرب، القاهره: دارالمعارف.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۵)، المعجم الوسیط، تهران: مکتبه المرتضوی.
- معلوف، لوئیس (۱۹۷۴)، تهران: انتشارات پیراسته.
- مقدسی، أنیس (۱۹۶۱)، الإتیجاهات الأدبیه فی العالم الحدیث، بیروت: دار العلم للملایین